

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله - (من الواح ذبیح) ای ذبیح در اکثری از الواح الهیه از قلم امریه نازل جمیع احبای الهی

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



ای ذبیح در اکثری از الواح الهیه از قلم امریه نازل و جمیع احبای الهی را وصیت فرمودیم که ذیل مقدّس را بطین اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده میالایند و همچنین وصیت فرمودیم که بما نزل فی الألواح ناظر باشند اگر وصایای الهیه را که از مشرق قلم رحمانی اشراق فرموده بگوش جان میشنیدند و باصغای آن فائز میگشتند حال اکثر من فی الامکان را بخلعت هدایت مزین مشاهده مینمودی و لکن قضی ما قضی حال کرة اخرى در این ورقه بیضا لسان قدم در این سخن اعظم میفرماید ای احبای حق از مفازه ضیقہ نفس و هوی بفضاهای مقدسه احدیه بشتاید و در حدیقه تقدیس و تنزیه مأوی گیرید تا از نفاتح اعمالیه کل بریه بشاطی عتر احدیه توجه نمایند ابداً در امور دنیا و ما یتعلق بها و رؤسای ظاهره آن تکلم جایز نه حق جلّ و عتر مملکت ظاهره را بملوک عنایت فرموده بر احدی جایز نه که ارتکاب نماید امری را که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواسته مداین قلوب عباد بوده و احبای حق الیوم بمنزله مفاتیحند انشاء الله باید کل بقوت اسم اعظم آن ابواب را بگشایند اینست نصرت حقّ که در جمیع زیر و الواح از قلم فالق الأصباح جاری شده و همچنین با ناس



ORIGINAL



AUDIO

بمدارا حرکت نمایند و رفتار کنند و بکمال تقدیس و تنزیه و صدق و انصاف ظاهر شوند بشأنی که جمیع ناس آن نفوس را امناء الله فی العباد شمرند حال مشاهده کن در چه سمائی طیر اوامر حق در طیرانست و در چه مقامی آن نفوس ضعیفه ساکن طوبی للذین طاروا بأجنحة الایقان فی هواء الذی جری من قلم ربک الرحمن ای ذبیح نظر باعمال حق کن و قل تعالی تعالی قدرته التی احاطت العالمین و تعالی تعالی انقطاعه الذی علا علی الخلائق اجمعین تعالی تعالی مظلومیته التی احتقرت بها افئدة المقربین مع آنکه بیلابای لایحصى در دست اعدا مبتلا جمیع رؤسای ارض را واحداً بعد واحد تبلیغ نمودیم آنچه را که ارادة الله بآن تعلق یافته بود ليعلموا الأمم انّ البلاء لا یمنع قلم القدم انه یتحرک باذن الله مصور الرّمم حال مع این شغل اعظم لایق آنست که جمیع احبّاً کمر خدمت محکم کنند و بنصرت امر الله توجه نمایند نه آنکه بارتکاب امور شنیعه مشغول شوند اگر قدری در افعال و اعمال ظاهره حق مشاهده نمائی لتخرّ بوجهک علی التراب و تقول یا ربّ الأرباب اشهد انک انت مولی الوجود و مربی الغیب و الشهود و اشهد انّ قدرتک احاطت الکائنات لا تخوفک جنود من علی الأرض و لا تمنعک سطوة من علیها و اشهد انک ما اردت الاّ حیاة العالم و اتّحاد اهله و نجاة من فیه حال قدری تفکر نمائید که دوستان حق در چه مقام باید حرکت نمایند و در چه هوا طیران کنند ان اسأل الله ربک الرحمن فی کلّ الأحيان بأن یوقّهم علی ما اراد الله هو المقتدر العزیز العلام ای ذبیح ضرّ این مظلوم از سجن و تاراج و اسیری و شهادت و ذلّت ظاهره نبوده و نیست بلکه ضرّ اعمالیست که احبّای حق بآن عاملند و آن را نسبت بحق میدهند هذا ضرّی و نفسه المهيمنة علی العالمین و ضرّ اکبر دیگر آنکه هر یوم یکی از اهل بیان مدعی امر شده و بعضی متمسک بغصنی از اغصان و بعضی مستقلاً گفته اند آنچه عاملند آنچه عاملند ای ذبیح لسان عظمت میفرماید و نفسی الحق قد انتهت الظهورات الی هذا الظهور الأعظم و من يدعی بعده انه کذاب مفتر نسأل الله بأن یوقّفه علی الرجوع ان تاب الله انه هو التّواب و ان اصرّ علی ما قال یبعث علیه من لا یرحمه الله هو المقتدر القدير مشاهده کن که اهل بیان آنقدر ادراک نموده اند که مظهر قلم و مبشر جمالم آنچه فرموده ناظراً الی الظهور و قیامه علی الأمر فرموده والاّ و نفسه الحق بکلهئی از آنچه فرموده تکلم نینمودند این جهال امر غنی متعال را لعب اطفال دانسته اند هر روز بخیالی حرکت مینمایند و در مفازهئی سایرند لو کان الأمر كما یقولون کیف یستقرّ امر ربک علی عرش السکون تفکر و کن من المتفرّسین تفکر و کن من المتوسمین تفکر و کن من الراسخین تفکر و کن من المطمئنّین علی شأن لو يدعی کلّ البشر بکلّ ما یکن او فوقه لا تتوجه الیهم و تدعهم عن ورائک مقبلاً الی قبلة العالمین لعمری انّ الأمر عظیم عظیم و الیوم عظیم عظیم طوبی لمن نبذ الوری عن ورائه متوجّهاً الی وجه الذی بنوره اشرفت السموات و الأرضین ای ذبیح بصر حدید باید و قلب محکم و رجل نحاس شاید تا بوساوس جنود نفسیه نلغزد اینست حکم محکم که باراده مالک قدم از قلم اسم اعظم جاری و نازل شده ان احفظه كما

تحفظ عینک و کن من الشاکرین در لیلی و ایام بخدمت حق مشغول باش و از دوش منقطع لعمری
ما تراه الیوم سیفنی و تجد نفسک فی اعلی المقام لو تكون مستقیماً علی ما امرک مولاک انّ الیه
منقلبک و مثواک.